

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

داکتر اجرالدین حشمت



از جنبش مشروطه تا دولت مشروطه در افغانستان

محمود طرزی :

طرزی عالم متبحر ، شخصیت بزرگ سیاسی ، بنیان گذار روزنامه نگاری نوین افغانستان ، روشن گر جنبش مشروطه خواهی و مؤسس جنبش ادبی در اوایل قرن بیستم کشور است .

محمود طرزی فرزند سردار غلام محمد خان طرزی نواده سردار رحمدل خان برادر امیر دوست محمد خان است که سردار موصوف در سال ۱۲۷۵ هج در ایران وفات و در نجف اشرف عراق به خاک سپرده شد .

در مورد محل و تاریخ تولد محمود طرزی بین نویسندگان اختلاف نظر وجود دارد ، اما ابیات دیوان پدرش – سردار غلام محمد خان طرزی که در ذیل ارائه میگردد ، این اختلافات را بر طرف نموده و به صورت یقین نشان میدهد که در ربیع الثانی ۱۲۸۴ هج مطابق ۱۸۶۷ م در شهر تاریخی غزنی در جوار آرا مگاه سلطان محمود غزنوی تولد یافته که نامش را هم به همین مناسبت « محمود » گذاشتند . (۲۹)

« بروز غره ماه ربیع الثانی بود

که آمد آن گل نارس به بوستان شهود

چون کرد اختر سعدش طلوع در غزنین

نهاد نام گرامیش را پدر محمود (۳۰)

ابیات فوق معتبرترین سند پیرامون محل و تاریخ تولد محمود طرزی است که هر نوع شك و شبه را در این مورد رفع مینماید .

آموزش و پرورش محمود طرزی در کشور به دوش مولوی محمد اکرم قند هاری یکی از دوستان پدرش بود. او از استاد خود علوم متد اول عصر - زبان عربی، فارسی و بعداً فلسفه اسلامی، شرع و فقه را آموخت، اما موجودیت پدر که شاعر و نویسنده و عالم احکام اسلامی بود، در پرورش شخصیت محمود طرزی بی تأثیر نبود است، چه سردار غلام محمد خان طرزی خود بر علاوه که از اصول و احکام دیانت اسلام با خبر بود، در صنایع شعری و آفریده های ادبی بد طول داشت و به یقین محمود طرزی از علمیت او فیض برده است.

چون سردار غلام محمد خان از هواداران سردار محمد ایوب خان مجاهد کبیر و عنصر ضد انگلیسی و رقیب سردار عبدالرحمان خان بود، زمانیکه اخیراً ذکر به قدرت رسید سردار غلام محمد خان برای مدت کوتاهی محبوس و سپس امر تبعید او را با فامیلش به هند بریتانوی صادر نمود.

سردار غلام محمد خان با فامیلش در سال ۱۸۸۱ م از قندهار روانه کویت و از آنجا جانبند ر کراچی عزیمت نمود و مدت سه سال در این شهر اقامت گزید. (۳۱) در زمان اقامت شان سردار موصوف یک مقدار پول به حیث مدد معاش جهت امرار و معشیت از حکومت هند بریتانوی اخذ مینمود. اکثر سرداران تبعید شده دوران عبدالرحمان خان حقوق و مواجب مستمری داشتند و سردار غلام محمد خان هم علاوه از وجوهی که از هند بریتانوی و یا دولت عثمانی اخذ میکرد، «تنخواه نسبی» از افغانستان نیز برایش ارسال میشد.

در جریده دو هفته نامه زرنگار شماره ۱۴۲، صفحه ۲۴ مؤرخ ۲۵ جدی سال ۱۳۸۱ هـ مطابق ۱۵ جنوری ۲۰۰۳ م مضمونی تاریخی تحت عنوان «آزاد کابلی» بقلم سید محمد آزاد جلب توجه نمود که نه تنها مطالب دلچسپ پیرامون تاریخچه زندگی، مقام ادبی و جهان بینی «شاد روان میر محمد علی آزاد کابلی» به نظر میخورد، بلکه مواجب مستمری «تنخواه نسبی» سرداران تبعیدی را در زمان سلطنت امیر عبدالرحمان خان نیز افشاء میسازد.

میر ابوالقاسم مامای شاد روان میر محمد علی (۳۲) متخلص به آزاد کابلی یکی از منشیان امیر عبدالرحمان خان بود که نامبرده همشیره زاده خود را که هنوز سن پانزده سالگی را تکمیل نکرده بود، جهت فراگیری امور رسمی و درک رموز سلطنت به دربار عبدالرحمان خان برد. از خواننده محترم خواهشمندیم، بقیه مطلب را از قلم خود نویسند که زیر عنوان «کشودن نامه و امپلق های شاهانه» تحریر نموده مطالعه نمایید: «هنوز سه ماه از رفتن آزاد نوباره به دربار نگذشته بود و او از خوی و عادت پرخاشگر امیر آگاه نبود. در یکی از روزها و در غیاب مامای اش، او بی خیال سر یکی از نامه ها پیرا که غلام محمد خان طرزی (پدر محمود طرزی) از بنی اعمام امیر از خارج فرستاده بود می گشاید، چند روز بعد که مامای اش صحت یاب میشود و به وظیفه بر میگردد، از باز کردن نامه آگاه میشود و لرزه بر اندامش می افتد، موهای بدنش از هول و وحشت می خیزد نمی داند که جواب امیر را چه بگوید. مامای اش چاره نمی بیند جز آنکه نامه باز شده را همراه با آزاد یکجا نزد امیر غضب ببرد و مامای اش را بیچاره بگذارد. وقتی امیر از موضوع آگاه شد، با خشم فریاد کشید و گفت: نامه را بخوان چه نگاشته است؟ آزاد با اندام لرزان و فکر پریشان که از هیبت و صلابت شاه چون شاخه های نازک بید می لرزید، نامه را با آواز حزین و گلوی پر عقده خواند: من که اروپا را مورد گشت و گذار قرار داده ام ترقیات اروپا همه و همه مربوط به معارف است. برای پیشبرد امور مکتب، سیاست دولت ایجاب میکند تا استادان از انگلستان خواسته نشود، اگر از جاپان خواسته شود، خوبتر خواهد

بود. ضمناً معاش دو ساله ام را اگر حواله دارید بهتر خواهد بود. بعد با خشونت گفت: خوش به حالت که در این نامه چیزی مهم ننگاشته بود و اگر نه جان به سلامت نمی بردی!»

در سال ۱۸۸۵ م طرزی با فامیلش خاک هند را به قصد دولت عثمانی ترک گفت و در همین سال با سی و پنج نفر اعضای خانواده وارد بغداد شد (۳۳)، در آنجا هم بعد از شش ماه اقامت تصمیم گرفت تا سفری به استانبول کند و دیداری با سلطان عبدالحمید دوم پادشاه دولت عثمانی داشته باشد. بنا بر آن فامیل را در بغداد گذاشت، با پسر خود محمود طرزی رهسپار پایتخت دولت عثمانی شد. سلطان عبدالحمید به گرمی از آنها استقبال نمود، علاوه از امداد مادی، سوریه را برای اقامت آنها تعیین نمود. در بازگشت از استانبول سردار غلام محمد خان در سوریه توقف نمود، محمود طرزی را جهت انتقال فامیل از بغداد مؤظف ساخت.

محمود طرزی در زمان اقامتش در شام سیر و سیاحت هایی هم داشت، اولین سفر او به صوب استانبول و از آنجا جانب اسکندریه مصر بود که بعد از ختم این سفر نخستین اثر خود را به نام «سیاحت بر سه قطعه روی زمین» تهیه نمود. محمود طرزی در سوریه اکثراً مصروف مطالعه آثار علمی، فلسفی، سیاسی و اجتماعی بود و پیشرفت های محیر العقول دول غربی: اختراعات و اکتشافات جدید در عرصه های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی اروپا و اوراسیا سخت مجذوب خود ساخته بود. طرزی نه تنها به فراگیری و اندوختن علوم جدید تلاش می ورزید بلکه سخت علاقمند بود تا روزی این مظاهر تمدن غرب به مؤمنان آبائش گسترش یابد.

طرزی در ایام تبعید با «ترکان جوان» تماس و با آنها مباحثه و مذاکره نمود. از نظریات و نوع آیدولوژی شان معلومات کافی داشت. بعضی از نویسندگان را عقیده بر این است که عامل اصلی که در تشکل فکری طرزی نقش بسزایی داشت تماس او با سید جمال الدین افغانی بود، چنانچه در سال ۱۸۹۶ م جهت اشتراک در مجالس و محافل سید از دمشق به استانبول عزیمت نمود و مدت هفت ماه در پای صحبت آن سید بزرگوار نشست و از مجالست با او بهره فراوان برد. حتی تعدادی از نویسندگان میگویند که نظریات طرزی در ارتباط به وحدت ممالک اسلامی یعنی مفکوره پاناسلامیزم حاصل تماس او با سید افغانی بوده است.

عکس نظریه فوق الذکر هم وجود دارد، بدین معنی که عده ای از محققین از مناسبات سرد و اظهارات شکایت آمیز محمود طرزی در مورد سید افغانی سخن گفته اند. در سراج الاخبار افغانستانیه سال ششم شماره سوم ۱۹۱۶ م مقاله ای دیده میشود به قلم طرزی که در آن از عدم شناخت کامل از هویت سید سخن رفته است. این موضوع در فصل دوم «شرایط خارجی پیدایش مشروطه طلبی در افغانستان» در کتاب «جنبش مشروطه خواهی در افغانستان» تالیف پوهاند سید سعد الدین هاشمی با اقتباس جملات خود محمود طرزی از جریده سراج الاخبار طور مفصل تشریح شده که اگر خواننده محترم خواسته باشد میتواند آنرا در آن رساله مرور نماید.

با آغاز قرن بیستم يك سلسله حوادث طور مسلسل به وقوع پیوست، بدین معنی که در ۱۹۰۰ م سردار غلام محمد خان در دمشق و در ۱۹۰۱ م امیر عبدالرحمان خان در کابل در گذشتند. متصل با درگذشت عبدالرحمان خان پسرش حبیب الله خان بر تخت سلطنت افغانستان نشست که این رویدادها در زندگی آینده محمود طرزی نقش اساسی داشتند.

در سال ۱۹۰۲ م محمود طرزی جهت اظهار تسلیم و تعزیت از درگذشت امیر ماضی و عرض تبریکی به خاطر اورنگ نشینی امیر جدید به افغانستان آمد و برای مدت نه ماه در کابل اقامت گزید. امیر او را

به برگشت به وطن تشویق نمود. بنا بر آن محمود طرزی بعد از ۲۳ سال تبعید در ۱۹۰۵ م با فامیلش دوباره به وطن عودت نمود.

محمود طرزی به مجرد ورود به وطن در صد آن شد تا با احتیاط و تحلیل شرایط خاص زمینه فعالیت های فرهنگی و اجتماعی را برای جوانان و روشنفکران مهیا سازد. با وجود اینکه اعمال چنین نظریات در آن زمان نظر به اوضاع خاص سیاسی و اجتماعی کار ساده نبود، اما با پشت کار، تصمیم و تدبیر، به همراهی مشروطه خواهان توانستند در راه اصلاحات اجتماعی و فرهنگی با استفاده از اندوخته ها و دانش جدید شروع به کار نمایند.

محمود طرزی خوب میدانست که بدون تنویر اذهان مردم بالاخص جوانان و روشنفکران و تشویق دولت غرض آوردن اصلاحات اجتماعی راه دیگری در جامعه میسر نیست، فلذا او در سال ششم بازگشت به وطن (۱۹۱۱م) توانست موافقت دستگاه دولتی را مبنی بر نشر جریده «سراج الاخبار افغانیه» بدست آورد که اولین شماره آن به روز شانزدهم میزان ۱۲۹۰ هـ مطابق پانزدهم شوال ۱۳۲۹ هـ ق در شهر کابل به نشر رسید. (۳۴) محمود طرزی به حیث سردبیر آن تا ۱۹۱۹ م برای مدت هشت سال با موفقیت چشمگیری این وظیفه خطیر و پر مسؤولیت را به پیش برد. پذیرش چنین مسؤولیت تحت یک نظام استبدادی و مطلقیت دوره امیر حبیب الله خان امر ساده و سهل نبود، اما محمود طرزی با آن همه تدبیر، علم و دانش، درک صحیح از اوضاع کشور و جهان، متانت و شکیبایی، ارتباط خونی و قومی با امیر و بالاخره وصلت های بناش با سردار عنایت الله خان و سردار امان الله خان نه تنها توانست جریان نشر این جریده را به حسن صورت اداره نماید، بلکه آنرا به ناشر افکار مشروطه خواهان مبدل ساخت.

دور شدن امیر حبیب الله خان از صحنه سیاسی افغانستان توسط سوء قصد از قبل تنظیم شده در ۲۱ فبروری ۱۹۱۹ م و ایجاد دولت مشروطه به رهبری اعلیحضرت امان الله خان زمینه فعالیت فرهنگی و سیاسی را برای محمود طرزی و همکاران مشروطه خواهش وسیعتر ساخت. طرزی در طی این دوره بوظایف بس مهم و پست های بلند دولتی عزتتور یافت. او در کابینه جدید امانی به حیث وزیر امور خارجه افغانستان ایفای وظیفه نمود و در اپریل ۱۹۲۰ م در رأس هیأت افغانی جهت مذاکرات مربوط به رسمیت شناختن استقلال افغانستان در کنفرانس منصوری شرکت ورزید که در اول اگست همان سال هیأت مذکور دوباره به کابل عودت نمود. همچنین طرزی ریاست هیأت افغانی را در کنفرانس کابل ۲۲ نوامبر ۱۹۲۱ م که منجر به امضاء عهدنامه افغان-انگلیس و به رسمیت شناختن قطعی استقلال افغانستان شد، نیز به دوش داشت.

محمود طرزی از سال ۱۹۲۲-۱۹۲۴ م برای دو سال در پاریس به حیث سفیر افغانی ایفای وظیفه نمود و در سال ۱۹۲۴ م دوباره به کشور مواصلت کرد، به مجرد برگشت به وطن از طرف اعلیحضرت امان الله خان به حیث وزیر امور خارجه مقرر گردید و در ۱۹۲۵ م از این وظیفه استعفاء نمود، استعفاء او پذیرفته نشد، تا آنکه در سال ۱۹۲۶ م پیشنهادی به شاه تقدیم نموده غرض معالجه رهسپار سوئیس گردید. قابل یادآوری است که وی در تمام ایام غیابت خویش در پست وزارت امور خارجه باقی ماند و غلام صدیق خان چرخه عهده دار کفالت آن وزارت بود.

اعلیحضرت امان الله خان در سفر طولانی خود به سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا (۱۹۲۷-۱۹۲۸ م) از محمود طرزی تقاضا نمود تا در مذاکرات او با دولت مصر به حیث وزیر خارجه افغانستان اشتراک نماید. در پایان مذاکرات، او دوباره رهسپار سوئیس شد. در ۱۹۲۸ م سوئیس را به قصد کشور ترک گفت، اما از

آن به بعد در هیچ نوع امور رسمی و دولتی دخالت ننمود، تا آنکه با سقوط دولت امانی به روز ۱۴ جنوری ۱۹۲۹ م در معیت اعلیحضرت امان الله خان جانب قند هار حرکت نمود که بعد از چندی از شاه جدا شده با مشکلات فراوان خود را به ولایت هرات رسانید. در آنجا با زهم جان او در امان نبود و از جانب تاریک اندیشان سخت تهدید میشد و نامش شامل لست سیاه دشمنان پیشرفت و ترقی افغانستان بود که خوشبختانه به کمک نصر و جان از خاندان علمی پسر قاضی القضاة سعد الدین خان که وی را در کوچه های فرعی هرات در منزل خود پنهان کرد و بدین گونه از ورطه نیستی نجات یافت. (۳۵) طرزی بعداً به کمک دوستان از هرات به تهران و از آنجا برای اقامت دائمی جانب ترکیه عزیمت نمود.

هنوز بیست و چهارمین سال اقامت محمود طرزی در کشور بعد از تبعید اولی به سر نرسیده بود که باز طعم تلخ هجرت را می چشد، اما این هجرت متأسفانه بی بازگشت بود، تا آنکه در ۲۲ نوامبر ۱۹۳۳ م به عمر ۶۸ سالگی در اثر مریضی که عاید حالش بود با عالمی از یأس و حرمان، در دنیای غربت چشم از جهان پوشید و در ترکیه در قبرستان «ابو ایوب انصاری» در پیشته ای مشرف به تنگه بس پورس (Strait of Bosphorus) به خاک سپرده شد. (۳۶)

طرزی، مدت ها قبل از آنکه با این همه مصائب مواجه گردد ابیات ذیل را انشاء نموده بود، مثل اینکه از سر نوشت خود آگاهی داشت:

«در غربت اگر مرگ بگیرد بدن من

آیا کی کند قبری کی دوزد گفن من

تا بوی مرا بر سر کوهی بگذارد!

تا باد وزد بر سر آن از وطن من (۳۷)

تعیین مقام نثر و نظم طرزی در ادبیات فارسی دری کاری است تخصصی و ما را هم یا رای چنین داوری نیست، اما بایک مرور گذرا به آثار منظوم طرزی درک میشود که منظومه های او از نظر مضمون نه تنها از شعرای سلف او بلکه از گویندگان معاصرش نیز تفکیک می گردد. طرزی از همه بیشتر یک شاعر ریاست است و زیادتر به جنبه های اصالت عملی شعر توجه داشته تا به زیبایی ظاهری آن. منظومه های طرزی به عکس اشعار شعرای سلف او عاری از تصورات واهی، خیال پردازی ها، نازک بینی های شاعرانه، تشبیهات نغز و شیرین، استعارات ادبی و مفاهیم مغلق فلسفی است، بناء بر همین ملحوظ بعضی ها اشعار طرزی را از نظر کیفیت و صنعت شعری بی روح و خشک تعریف میکنند. (۳۸)

طرزی شخصیت چند بعدی و حایز اهداف انسانی و اجتماعی بود. او هیچ گاهی شعر را برای کسب شهرت و احراز مقام و قدرت نه سروده، بلکه شعر را به خاطر پیاده نمودن اهداف و آلاش یعنی آزادی و استقلال کشور، وحدت ملی، آوردن یک تحول عمیق اجتماعی و در نهایت امر بخاطر خوشبختی انسان انشاء میکرد.

در سروده های طرزی علاوه از مطالب ملی، مسایل بین المللی به خصوص همبستگی ممالک اسلامی، مبارزه علیه سیستم استعماری و تبلیغات ضد انگلیسی وسیعاً انعکاس می یافت و طرزی برای رسیدن به این اهداف فقط یگانه وسیله، نشرات را تشخیص داده بود. او قصداً اشعار ساده و سلیس و عام فهم می سرود تا خواننده بدون تأمل و تعمق زیاد مطلب گوینده را درک کند، بناءً زیادتر به معنی و مضمون شعر تأکید میکرد تا به شکل و فورم آن.

طرزی میخواست از یکطرف توده را با زبان خودشان با مظار تمدن عصری و تکنولوژی جدید آشنا سازد و از جانبی علل آن همه عقب‌مانی، فقر، بیسوادی، مرض و ده‌ها مصیبت دیگر اجتماعی جامعه را با اشعار عام‌فهم تشریح نماید.

برای درک درست از اشعار محمود طرزی برسیل مثال‌های چند از یک منظومه او را که به اقتضای از بهاریه معروف قان‌ی سروده‌ها ارائه مینمایم:

«بیا ببین که در جهان چگونه گشته کارها

جهان جهان ریل شد زمان زمان تارها

چه بحر‌ها که بر شده چه خشک‌ها بحر‌ها

چه کوه‌ها شگاف شد گذشت از آن قطارها

جهان جهان علم و فن زمان زمان کارها

بس است صید‌بودنه میان گشتزارها» (۳۹)

محمود طرزی نه تنها خودش از زمره پیش‌قدمان جنبش ادبی دوره مشروطه بود، بلکه توانست سروده‌های شعرای معاصر خود را چون:

قاری عبدالله الشعراء، عبدالعلی مستغنی، عبدالرحمان لودین، عبدالهادی دوی (پیشانی) و غیره را متأثر از این جنبش بسازد. آنها کم‌وبیش از سبک طرزی پیروی میکردند. این نکته را هم باید اضافه نمایم که سبک شعر طرزی در ادبیات فارسی دری سبک مستدام نبود، چنانچه با سقوط دولت‌امانی و سرکوب مشروطه خواهان، آن‌ها از بین رفت و پس از آن پیروانی در حلقه‌های ادبی افغانستان نداشت.

اما در ساحت نثر، مقام محمود طرزی والاتر است، چه نثر او با شیوه جدید نه تنها در دوره مشروطیت بلکه پس از آن هم مورد پذیرش قرار گرفت و راه خود را در ادبیات آینده کشور باز نمود.

با استنتاج از تذکر مختصر فوق و با در نظر داشت نظریات اکثر پژوهشگران به این نتیجه میرسیم که محمود طرزی، بدون شک شاعر و نویسنده آزاده و توانای عصر جنبش مشروطه خواهی بوده، در امر انکشاف ادبیات دری و پشتو خدمات شایانی نمود، اما به هیچ وجه کمال‌نویسنده‌گی او با مقام روزنامه‌نگاری اش قابل مقایسه نیست. او در عرصه مطبوعات و روزنامه‌نگاری حایز چنان مقام شامخ است که اکثر پژوهشگران از او به حیث «بنیان‌گذار ویا پدر مطبوعات نوین افغانستان» یاد مینمایند.

محمود طرزی آثار فراوان از خود به جا گذاشت که علاوه از نگارش تبصره‌ها، مقالات و مضامین سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی برای «سراج‌ال‌اخبار»، دست‌به‌تراجم و تألیفات در عرصه‌های مختلف نیز زده است: تعداد تألیفات وی به ده اثر میرسد که معروفترین آنها سیاحت به سه قطعه روی زمین، مختصر جغرافیای منظوم افغانستان، علم و اسلامیت و غیره است.

تراجم مطبوع محمود طرزی زیاد است اما مشهورترین آنها به نام جنگ روس و جاپان (در پنج جلد)، حقوق بین‌الدول و جزیره پنهان است که اکثر آنها از ترکی به فارسی ترجمه شده است.

آن عده از هموطنانی که خواسته باشند کتاب را خرید نمایند می توانند به آدرس ذیل تماس بگیرند:

Dr. Ajruddin Hashmat
97 Forest Heights Str.
Whitby, Ont. L1R 1x7. Canada
Tel (905) 665-8767